

حجاب در گستره تاریخ

غلامرضا گلی زواره



حکمت حجاب

حجاب، ریشه در باورها و ارزش‌های ما دارد و رعایت پوشش، بویژه در میان بانوان، ایجاد مصونیت برای جلوگیری از عوارض منفی، مفاسد و ابتذال است.

زن از دیدگاه اسلام، شخصیتی شایسته دارد و می‌تواند مدارج کمال را طی کرده، به مراتب عالی انسانیت باریابد، دامن زن، مدرسه بشر است و ترقی مردان، بدون زنان ناممکن. اصلاح جامعه، در گرو پارسایی، حیا و حجاب بانوان خواهد بود. جایگاه والای این گوهر گرانبهای آفرینش، می‌طلبد که در صدف پوشش قرار گیرد تا ارزش‌هایش حفظ گردد.

خانم «فاطمه دولان»، استاد مسلمان انگلیسی‌زبان در ایران، گفته است: «حجاب باعث می‌شود که زن، ارزش خود را از حد یک کالای تجارتي و یا وسیله‌ای برای بهره‌دهی، بیش‌تر بالا ببرد و هم خود برای خویش ارزش قائل شود و هم جامعه را وادار به احترام کند.»

در نقطه مقابل، عرضه زیبایی‌ها و مواضع تحریک‌آمیز بدن زن، به طمع و شهوت مردان دامن می‌زند و آن‌ها را به کانون جدی خطر مبدل می‌سازد و آرامش و امنیت را از زن سلب می‌کند. به علاوه، خودنمایی و حضور همراه با تحریک‌ها در صحنه‌های اجتماعی، امکان دارد نظام خانواده را تهدید کند؛ چرا که مردان متاهل، با توجه به گزینه تنوع‌طلبی، ممکن است از گرایش به همسر خود بکاهند و همین امر، پیوندهای عاطفی خانواده را در موجی از آشفتگی قرار می‌دهد.

نخستین پوشش

گذشته از دلیل‌های عقلی و نقلی که برای حفظ پوشش زن وجود دارد، مدارک، موید آن است که حجاب، از آغاز آفرینش، یک امر طبیعی و فطری است. در روایات آمده است

که حضرت آدم علیه‌السلام و حوا، پس از یک توقف کوتاه در بهشت، در کوهستانی در سرزمین هند پیاده شدند و پس از پایان دوری از هم، دیدند که برهنه‌اند و از این بابت، ناراحت بودند. خداوند، دستور داد یکی از هفت جفت قوچی که از بهشت به ایشان بخشیده شده بود، قربانی کنند؛ سپس حوا پشم آن را رشت و با دست‌یاری آدم، از تابیده‌های آن، جامه‌ای بلند برای وی و یک پیراهن و روسری جهت خودش بافت. بدین وسیله، آن دو از عریانی و شرمندگی‌های یافتند.^۱

پوشش دختران ساسانی

هنگامی که سه تن از دختران کسرا، شاه ساسانی را به عنوان اسیر، نزد خلیفه دوم آوردند، آن سه با پوشش و نقاب، سیمای خود را پوشانیده بودند و خلیفه دستور داد تا حجاب از چهره برگیرند و بدین گونه، خریداران، آنان را دیده و پول بیش‌تری به پایشان بریزند. دوشیزگان ایرانی از برهنه کردن سر و صورت خودداری کردند و نماینده خلیفه را با مشتی که بر سینه‌اش زدند، از خود دور ساختند. خلیفه با مشاهده این وضع، عصبانی شد و خواست با تازیانه آنان را آزار دهد. در آن حال، حضرت علی علیه‌السلام به خلیفه فرمود: در رفتار با دشمن مدارا کن؛ از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله شنیدم که می‌فرمود: بزرگ و شریف هر قومی را که خوار گردیده، گرامی دارید.^۲

در ایران باستان، پوشش به عنوان امری والا تلقی می‌شده است. ویل دورانت می‌نویسد: زمان داریوش، زنان، پرده‌پوشی را رعایت می‌کردند و زنان طبقه‌های بالای اجتماع، جرأت نداشتند جز با تخت روان روپوش‌دار، از خانه بیرون آیند. در نقش‌هایی که از ایران باستان بر جای مانده، هیچ زنی دیده نمی‌شود.^۳ این نکته‌ها، از سخت‌گیری ایرانیان نسبت به حجاب حکایت می‌کند. البته ویل دورانت، دچار این اشتباه شده و یادآور گردیده است ارتباط عرب با ایران، از دلیل‌های رواج حجاب در قلمرو اسلام بود.^۴

اقوام دیگر

پوشش در میان ادیان و اقوام پیش از اسلام و پس از آن نیز سابقه دارد؛ گویا گرایش درونی، انسان را به نوعی حجاب فرا می‌خوانده است. در اصول اخلاقی تلمود آمده است: اگر زنی به نقض قانون یهود می‌پرداخت، چنان‌که مثلاً بی‌آن‌که چیزی بر سر داشت به میان مردم می‌رفت و یا در خیابان عام نخ می‌رشت یا بر هر سخی از مردان درد دل می‌کرد یا صدایش آن قدر بلند بود که چون در خانه‌اش تکلم می‌کرد، همسایگانش می‌توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت، مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه، او را طلاق دهد.^۶

در میان هندوها نیز حجاب رایج بوده است. ویل دورانت یادآور می‌شود: رسم حجاب، با برانی‌ها به هند آمد. شوهران برای حفظ زنان، پرده‌نشینی را چنان گسترش دادند که یک زن نجیب و محترم، می‌توانست روی خود را صرفاً به شوهر و پسرانش نشان دهد و در ملاء عام، باید با روبنده سنگینی آمد و شد کند که صورتش را پوشیده دارد؛ حتی پزشک معالج اگر می‌خواست نبض بیماری را بگیرد، زن می‌بایست پشت پرده بنشیند.^۷ در اروپای قدیم نیز ردپایی از حجاب وجود داشته است؛ زنان توان‌گران، تاج‌های زرین با روسری‌های زربفت می‌پوشیدند یا گیسوانشان را با نوارهای زرین می‌بافتند؛ اما زنان با آرم و محجوب، دستمالی از پارچه‌های لطیف به سر می‌افکندند و در زیر چانه گره می‌زدند.^۸

وجوب حجاب

همان گونه که اشاره کردیم، رعایت پوشش در میان اقوام و قبیله‌ها، پیش از اسلام رواج داشته؛ اما این پدیده، فراگیر نبوده و مشکل طبقاتی به خود گرفته و بخشی از ضرورت‌های دینی تلقی نمی‌شده و به عنوان یک فرهنگ ریشه‌دار، خود را بروز نداده است. از برخی روایت‌ها برمی‌آید که رواج پوشش کامل، پس از فرمان الهی و کلام وحی می‌باشد. در روایتی از یکی از همسران رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌خوانیم که وی گفته است: من برتر از زنان انصار ندیدم؛ همین که آیه‌های سوره نور نازل شد، یک نفر از آنان دیده نشد که هم‌چون گذشته، بیرون آید؛ سر خود را با روسری‌های مشکی می‌پوشانیدند.^۹ از آیه‌های قرآن کریم هم بر می‌آید که وجوب حجاب برای بانوان، براساس صراحت قطعی وحی است و این که برخی از تحلیل‌گران به غلط پنداشته‌اند پوشش از عادت‌ها و رسم‌های دوره عباسی است، پذیرفتنی نیست.

از سیره عملی زنان رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، فاطمه زهرا سلام‌الله‌عینا و دیگر بانوان مسلمان صدر اسلام بر می‌آید که این افراد، چادر را به عنوان یک اولویت پوشش، به کار می‌بردند و اگر مجموعه قرائن بر وجوب این نوع پوشش دلالت نداشته باشد، دست کم بر اولویت و استحباب آن نسبت به دیگر عوامل، دلالت دارد. در هر حال، اسلام حجاب را به عنوان لطف و عنایتی از سوی خداوند متعال، واجب کرد و مسئله تحمیل، محدودیت و خشونت، هرگز مطرح نیست. زنی که حجاب را رعایت کند، علاوه بر آن‌که نشانه‌ای از دیانت، ایمان و تقوا را با خود دارد، توانسته نوعی ایهت در خویشتن به وجود آورد و از این راه، با حفظ پوشش، در مسائل اجتماعی و سیاسی مشارکت کند، در ارزش و قدرت تاثیر حجاب همین بس که استعمارگران، هرگاه خواسته‌اند بر اختناق خود در جامعه بیفزایند و به حیل‌های خود دست یابند، از این ویژگی بانوان در هراس بوده و خواسته‌اند این دژ استوار را که ضامن ایمان،

عفاف و پاک‌دامنی و عامل گسترش فضیلت در جامعه اسلامی بوده، از میان بردارند یا به نحوی آن را کم اهمیت جلوه دهند. هر جا که استعمار و استبداد موفق شد، زنان را از این عنصر سازنده و رشدهنده جدا کند، نخست، موفق شده‌اند زن را از هویت اصیل خود بیگانه و از ارزش‌ها تهی کنند تا بتوانند تبلیغات وارداتی را بپذیرند و از فرهنگ با اصالت خود دست بردار و سپس، نقشه‌های خود را به اجرا در آورده‌اند. در نهضت‌های اسلامی ایران، در انقلاب الجزایر و در مبارزه‌های برخی مسلمانان در اقصی نقاط جهان، این بانوان بوده‌اند که با حفظ حجاب، در عرصه‌های سیاسی حضور یافته‌اند و در ضمن، به تقویت نیروی مردان پرداخته‌اند.

تهاجم فرهنگی، علیه فرهنگ حجاب

حجاب، در فرهنگ کشورهای اسلامی و بویژه ایران، از جایگاه بلندی برخوردار است و دشمنان همواره تلاش کرده‌اند بین حجاب و اصل دین، جدایی ایجاد کنند و سپس با همین دست‌آویز، در چندین سرزمین مسلمان، تهاجم فرهنگی و اسلام‌زدایی را با رویارویی با حجاب آغاز کرده‌اند.

استعمارگران، در ایران رضاخان، در افغانستان امان‌الله‌خان و در ترکیه، کمال آتاترک را برگزیدند تا در این کشورها به اسلام‌زدایی پرداخته و فرهنگ وارداتی غرب را جایگزین آن کنند.

آتاترک، در سال ۱۹۲۴ م (۱۳۴۳ ه ش) در ترکیه دستور داد آن چه مربوط به اسلام است، از برنامه‌های درسی ترکیه حذف شود. وی در لباس زن و مرد، اتحاد به وجود آورد و کشف حجاب را همه جای این سرزمین رسمی کرد و هم اکنون نیز ترکیه، متأسفانه در همان مسیر گام برمی‌دارد؛ به نحوی که رعایت حجاب در برخی مراکز آموزشی، بویژه دانشگاه‌ها و نیز مراکز اجرایی و اداری، ممنوع است. امان‌الله‌خان هم در افغانستان کوشید، مقاصد استعماری را پیاده کند؛ ولی با ایستادگی مردم مسلمان این سامان، موفقیتی به دست نیامد و اهداف شومش ناکام ماند. رضاخان، با حمایت انگلیس در ۱۷ دی‌ماه سال ۱۳۱۴ ه. ش، کشف حجاب را رسمی و اجباری کرد و فرزندش، این روز را جشن ملی اعلام کرد و این دو جرثومه خلاف و استبداد، همه امکانات کشور را برای گسترش فرهنگ بی‌حجابی و ابتذال در ایران، به کار گرفتند. قیام گوهرشاد با حضور اقشار مردم مشهد، به رهبری عالمان و نیز اعتراض شیخ محمدتقی بافقی در قم، از جمله ایستادگی‌ها در برابر این حرکت بود.

پی‌نوشت‌ها

۱. مجله زن روز، شماره ۹۹۴.
۲. این ماجرا در طبقات ابن‌سعد، ج اول و نیز سیره‌النبی، ص ۱۸ آمده است.
۳. حجاب در اسلام، قوام الدین وشنوی، ترجمه احمد محسنی گرگانی، ص ۶۰.
۴. تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۱، ص ۴۳۴.
۵. همان، ج ۱۱، ص ۱۱۲.
۶. همان، ج ۴، ص ۴۶۱.
۷. همان، ج اول، ص ۵۶۵.
۸. همان، ج ۶، ص ۳۶۷.
۹. تفسیر کشاف، ج ۳، ص ۲۳۱.